

این سطح از فساد آینده جامعه ایران را تهدید می‌کند

هشدار عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی:

علی عرب‌مازار

علی عرب‌مازار، اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی به مناسبت بیست و یکمین سالگرد درگذشت دکتر حسین عظیمی در نشست بزرگداشت این استاد اقتصاد حضور یافته و درباره «فساد در ایران» صحبت کرده است. این نشست البته با عنوان «برنامه‌ریزی توسعه در شرایط تحریمی، الزامات و سیاستگذاری» در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شده و آقای عرب‌مازار که مطالعات زیادی درباره مقوله فساد و البته توسعه در ایران داشته، تلاش کرده تا بخش‌های مهمی از این دو موضوع را تشریح کند. عرب‌مازار که در دوره کارشناسی ارشد، دانشجوی دکتر حسین عظیمی بوده همچنین با گرامیداشت یاد او عنوان کرد که دکتر حسین عظیمی الگویی تمام عیار برای کسانی بود که علاقه‌مند به آموزش و معلمی بودند. ما همه مدیون تلاش‌های ایشان هستیم. یادش گرامی، روحش شاد. مرحوم حسین عظیمی نقش بی‌نظیری در تدوین برنامه چهارم توسعه داشت. او حقیقتاً از جان مایه می‌گذاشت و سخت‌کوشانه هدایت تدوین برنامه چهارم توسعه را عهده‌دار شده بود. ایشان برای تدوین برنامه چهارم از جان مایه گذاشت. در سخت‌ترین شرایط به لحاظ وضعیت جسمی تلاش زیادی کرد که برنامه متفاوتی نسبت به برنامه‌های قبلی توسعه برای کشور فراهم کند؛ اما متأسفانه بیماری فرصت نداد. بخش‌هایی از صحبت‌های این استاد دانشگاه علامه را که در وبسایت «جماران» منعکس شده، بخوانید.

نه دولت قوی داریم و نه جامعه مدنی قوی

برای اینکه برنامه دولت‌محور خوبی داشته باشیم، نیازمند دولت توانمندی هستیم؛ برای اینکه برنامه‌ریزی جامعه‌محور خوبی داشته

باشیم نیازمند يك جامعه مدني متشكل و قوي هستيم و سومين مدل كه فرآيند مشاركتي را در بر مي‌گيرد نیازمند هر دوي اينهاست. متاسفانه ما هيچ کدام از اينها را نداريم نه دولت قوي داريم و نه جامعه متشكل و مدني قوي و اين شرايط كار را براي کشور ما بسيار سخت و پيچيده کرده است.

تلاشها براي توانمندسازي دولت

در ايران، ناميدکننده است

اما چه بايد کرد؟ به نظر ميرسد ما نمي‌توانيم چندان اميدي به اينکه تلاش براي توانمندسازي دولت حتي در ميانمدت و بلندمدت به جاي مناسب برسد، داشته باشيم و چشمانداز خوبي هم در اين زمينه نمي‌بينم. اما درباره جامعه تصوير متفاوتي دارم. جامعه در سالهاي اخير نشان داده که به لحاظ آگاهيها ارتقاي قابل ملاحظه‌اي پيدا کرده و به لحاظ توانمدي براي مطالبات اجتماعي دستاوردهاي داشته است. هر چند که هنوز مراحل اوليه را طي مي‌کند؛ اما اين گامها اميدوارکننده است. بنا بر اين معتقدم اگر بخواهيم خود را از اين موقعيت غامض نجات دهيم، بهتر است به جاي اينکه رويکرد نگاه و طرف سخنمان دولت‌ها باشند، اين جهت را تغيير دهيم و تلاشمان را معطوف به اين کنيم که چگونه مي‌توانيم جامعه‌مان را درگير اين کنيم که مسائل اصلي اجتماعي‌اش را تشخيص دهد و آن را اولويت‌بندي کند و تلاش سازماندهي شده‌اي را براي حل و فصل اين مسائل در دستور کار خود قرار دهد.

يکي از اولويت‌هاي اصلي جامعه

بايد مبارزه با فساد گسترده باشد

اگر جامعه بخواهد مسائل فعلي‌اش را اولويت‌بندي کند يکي از مسائل اصلي جامعه فساد گسترده است. معمولا در فهرستي که از بحران‌هاي اصلي کشور ارايه ميشود، اين مساله جاگهي ندارد. اين فهرست‌ها را در دو سال اخير تحت عنوان «ناترازي‌ها» در حوزه‌هاي مختلف ذکر مي‌کنند؛ ناترازي بودجه، ناترازي در صندوق‌هاي بازنشستگي و انرژي؛ اما چيزي به عنوان «ناترازي در فساد» گفته نميشود. اگر بخواهيم از اين ادبيات استفاده کنيم بايد بگويم ما يك ناترازي از تقاضاي اجتماعي براي مبارزه با فساد و عرضه خدمات مرتبط با پيشگيري و مقابله با فساد توسط دولت به معنای حکومت و نه صرفا قوه مجريه داريم.

فساد در ایران گسترده شده است

بارها هشدار داده شده و تاکید کرده‌ایم، حتی در زمان تصدی دولتی با جهت‌گیری متفاوت نیز گفته‌ایم و اکنون نیز هشدار می‌دهیم، فساد در ایران گسترده است؛ این سطح از فساد مانع توسعه است و هزینه‌های معاملاتی را به شدت افزایش داده و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها برای رشد و توسعه را به شدت پرهزینه کرده است. نگاهی به زندگی روزمره‌تان بکنید؛ مثلاً وقتی می‌خواهیم یک زمین ۲۰۰ متری را به یک ساختمان سه طبقه تبدیل کنیم، می‌بینیم داخل چه فرآیند بروکراتیک گسترده‌ای می‌شویم و چقدر باید برای فساد که در کشور وجود دارد، هزینه بالایی بدهیم. حال تصور کنید ابعاد این فساد که در سطح کشور گسترش پیدا کرده است، چگونه عمل می‌کند؟

در ایران همه درگیر فساد هستند

با این شرایط می‌خواهند صحبت از گستردگی فساد در کشور نشود. اما شواهد پیرامونی را چه کنیم؟ هر شب رسانه ملی سریالی را پخش می‌کند که مدعی است فیلمنامه آن را بر اساس ده‌ها پرونده‌ای که سازمان‌های اطلاعاتی در اختیار تیم تهیه‌کننده سریال قرار داده، تهیه کرده است. البته بسیار دشوار است به دلیل ساخت ضعیف سریال، آن را دنبال کنیم. اما ببینید به شکل آزاردهنده‌ای گستردگی فساد در این کشور را نشان می‌دهد. هر چند طبیعتاً کارگردان و تهیه‌کننده به دلیل اینکه از جناح فکری خاصی است، تلاش می‌کند جناح مقابل را متهم به این فساد کند؛ در حالی که فساد در ایران به هیچ جناح خاصی اختصاص ندارد و همه درگیر آن هستند.

جناح‌های سیاسی یکدیگر را متهم

به بالاترین سطح فساد کردند

شاهد این مساله این است که در دو هفته گذشته که انتخابات مرحله دوم مجلس برگزار شد و اتفاقاً در تهران رقابت میان کسانی بود که همفکر کارگردان همان سریال هستند، طرفین یکدیگر و لیدرهای یکدیگر را متهم به بالاترین سطح فساد کردند. کاش می‌توانستیم بگوییم فساد در ایران گسترده نیست؛ اما شواهد پیرامونی نشان می‌دهد در سطح بسیار گسترده‌ای در کشور فساد وجود دارد و ما ناگزیر هستیم با آن مقابله کنیم.

برای مبارزه با فساد به دولت‌ها امیدی نداریم

برای مبارزه با فساد به دولت امیدی نداریم. دولت اعلام می‌کند من نهایت تلاش را می‌کنم، اما ثمره این تلاش در حد نهایت این بوده که ما سال ۲۰۲۳ رتبه ۱۴۹ را در میان ۱۸۰ کشور در زمینه فساد داشته‌ایم. باید تاکید کرد چنین وضعیتی به این دولت اختصاص ندارد. اگر اختصاص به یک دولت خاص داشت، می‌گفتم تلاش کنیم آن دولت و وضعیت را از شرایط فعلی تغییر دهیم، اما این‌گونه نیست و مساله عمیق‌تر است.

نظم اجتماعی رانت‌محور در ایران حاکم است

داگلاس نورث، استاد اقتصاد، نظم‌های اجتماعی را به «نظم اجتماعی با دسترسی محدود» و «نظم اجتماعی با دسترسی باز» طبقه‌بندی می‌کند. نظم اجتماعی با دسترسی محدود یک نظم رانت‌محور است که در ایران و قالب کشورهای جهان اکنون حاکم است. نظم اجتماعی با دسترسی باز رقابت‌محور است و در آن افراد اجازه دارند آزادانه وارد فعالیت‌های گوناگون اقتصادی سیاسی شوند، با یکدیگر رقابت کنند و آن کسی باقی بماند که رای بیاورد. تولیدکننده‌ای باقی بماند که مردم کالاهايش را بخرند. حزبی رای بیاورد که مردم در انتخابات به او رای دهند. در واقع نظم سیاسی دسترسی باز مترادف با جامعه توسعه یافته است و نظم دسترسی محدود، مترادف با جامعه در حال توسعه در نظر گرفته می‌شود. وقتی ما یک نظم اجتماعی رانت‌محور با دسترسی محدود داریم، بروز فساد گسترده غیرمنتظره نیست. در کشورهای توسعه یافته هم فساد وجود دارد، اما مهم این است که توانسته‌اند آن را محدود کنند. هر جا که قدرت وجود دارد خود به خود فساد هم هست، مهم توانایی یک جامعه برای مهار و کنترل آن است؛ چراکه فساد به استفاده از قدرت عمومی برای منافع خصوصی تعریف می‌شود، پس در هر سطحی قدرت عمومی وجود داشته باشد زمینه برای فساد وجود دارد.

این سطح از فساد آینده جامعه ایران را تهدید می‌کند

وقتی می‌گوییم «فساد»، لزوماً توجه‌ها به سمت قدرت عمومی گسترده نرود؛ چراکه روشن است وقتی قدرت عمومی در آن گستردگی وجود دارد، طبیعتاً فساد نیز به همان گستردگی شکل می‌گیرد. می‌فهمم که اگر قرار است با فساد مقابله جدی کنیم، باید از بالا شروع کنیم. این جملات را مکرراً در فضای مجازی دیده‌ام و درست هم هستند؛ اما وقتی زورمان به آنجا نمی‌رسد، خودمان به شکل تشکل یافته با فساد مبارزه کنیم. هر جا زمینه کار تشکیلاتی و انجمنی وجود دارد و به ارتقای آگاهی‌های عمومی دسترسی داریم، هشدار بدهیم. نگران این نیستم که

فساد سطح منزلت این حزب یا آن حزب را در دیدگاه عموم کاهش دهد، نگران این نیستم که فساد باعث تغییر نظام سیاسی شود، بلکه نگران ایران و جامعه ایران هستم، این سطح از فساد آینده جامعه ایران را تهدید می‌کند.

تحریم آثار خود را بر گسترش فساد گذاشته است

متأسفانه تحریم‌ها بر فساد و اقتصاد غیررسمی تاثیر دارد و تحریم‌ها آثار خود را بر گسترش فساد گذاشته است. سال ۹۰ در مطالعه‌ای که در خصوص اقتصاد غیررسمی و تاثیر تحریم‌ها بر آن داشتم، نشان دادم به لحاظ نظری و با شواهد تجربی، گسترش تحریم‌ها به گسترش فساد منجر می‌شود. حلقه اصلی تئوریک که این منطق را برقرار می‌کند، کاهش شفافیت است. تحریم‌ها بهانه و مناسبتی ایجاد کرده که شفافیت‌ها تقلیل یابد و شفافیت‌ها از همان سطح قبلی که داشته‌اند نیز کاهش پیدا کند. کاهش شفافیت نیز منجر به گسترش اقتصاد غیررسمی و گسترش فساد شده است.

هم حکومت‌ها و هم جامعه به اینکه حالا که تحریم داریم قبول کنیم خیلی از چیزها شفاف نباشد، رضایت می‌دهند. همان‌طور که اکنون در مورد آنچه در قرارداد شهرداری برای خرید اتوبوس‌ها از چین مطرح شده است نیز شاهد این مساله هستیم. وقتی این بحث بالا گرفت که چرا این قرارداد را ارایه نکردید، شهرداری اعلام کرد به خاطر تحریم‌ها و رعایت مسائل امنیتی قرارداد را منتشر نمی‌کنیم! گویا جامعه هم به نحوی آن را می‌پذیرد و با خود می‌گوید تحریم چنین شرایطی ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد در شرایط تحریم، تقلیل شفافیت را می‌پذیریم.

کاهش شفافیت، شاخص فساد در کشور را بدتر می‌کند

در حالی که اگر تقلیل شفافیت را می‌پذیریم باید به این تن دهیم که شاخص فساد هم وضعیت بدتری پیدا کند. این وضعیت از نظر گسترش فساد برای جامعه ما بسیار مخاطره‌آمیز است و برنامه‌ریزی برای رشد و توسعه کشور را بسیار دشوار کرده. در حالی که باید در نظر داشت، اگر منظورمان از توسعه، توسعه‌ای همه‌جانبه باشد باید گفت در هر برنامه‌ریزی برای توسعه کشور یک زیر برنامه ملی مبارزه با فساد جزئی اجتناب‌ناپذیر است و حتماً باید یکی از محورهای اصلی برنامه باشد.